

## حقوق تجارت

همچنین است اگر مفتشین بعثتی نتوانسته باشند انجام وظیفه نمایند یا آنکه از وظائف خود امتناع نمایند در این صورت نیز بمقتضای اشخاص ذیحق رئیس محکمه پس از احضار مدیران بجای آنها مفتشین جدید انتخاب خواهد کرد.

مدت مأموریت مفتشین شرکت برای یکسال است و قابل تجدید میباشد.

مفتشین را میتوان از بین شرکاء انتخاب کرد یا از اشخاص خارج که صلاحیت دارند زیرا برای تفتیش و تحقیق امور شرکت اطلاعات محاسبانی و تجاری لازم است.

وظیفه مفتشین شرکت - وظیفه مفتشین شرکت آنست که در موضوع اوضاع عمومی شرکت و همچنین در باب بیلان (خلاصه جمع و خرج) و صورت حسابها اینکه مدبرها تقدیم میکنند رأی برتی بمجمع عمومی سالیانه بدهند. باضافه در مواقعیکه ضرورت داشته باشد میتوانند بمجمع عمومی را دعوت نمایند تا راجع بامر بیکه دعوت آنها ایجاب کرده است تصمیم بگیرند.

برای اینکه مفتشین بتوانند وظیفه خود را انجام بدهند قانون بانها اختیاراتی داده است.

۱ - « در ظرف سه ماه قبل از تاریخى که بموجب اساسنامه شرکت برای انعقاد مجمع عمومی معین است مفتشین میتوانند بدفاتر شرکت مراجعه نموده و از عملیات آن تحقیقاتی بنمایند »

چنانکه ملاحظه میشود حق تفتیش و مداخله مفتشین در کار شرکت محدود است مفتشین میتوانند در هر موردی

دفاتر شرکت را تفتیش کرده و یا در امور اداری دخالت نمایند و حق مراجعه بدفاتر شرکت را فقط در ظرف ۳ ماه آخر سال دارند.

۲ - صورت حساب و بیلان را که هیئت مدیره برای تقدیم بمجمع عمومی تهیه میکنند باید چهل روز قبل از انعقاد مجمع مفتشین بدهند تا فرصت تحقیق در آنها داشته باشند.

گزارش مفتشین - پس از کسب اطلاعات لازم و تحقیق در دفاتر شرکت مفتشین گزارشی برای مجمع عمومی تهیه مینمایند. در این گزارش باید مفتشین کلیه توضیحات لازم برای روشن کردن وضع محاسبانی شرکت را بدهند آنچه نظر آنها رسیده و در بیلان یا در صورت حسابها اشاره نشده است باید در گزارش خود درج نمایند.

ولی مأموریت آنها بهمین جا ختم میشود و قانون آنها را موظف کرده است که (در موضوع اوضاع عمومی شرکت) نیز گزارش بدهند بنابراین صرف اینکه حسابها صحیح باشد نباید اکتفا کنند و مریضند که آنچه از طرز کار شرکت و چگونگی جریان امور آن اطلاع یافته اند باطلاع مجمع عمومی برسانند و نظر خود را راجع بانها اظهار کنند.

مسئولیت مفتشین شرکت بر طبق ماده ۶۴ - حدود مسئولیت مفتشین و اثرات آنها همان است که راجع بحدود مسئولیت و کلاء و اثرات آن در مقابل موکلین قانون معین است.

مفتشین مانند مدیران از طرف مجمع عمومی شرکاء وکالت دارند که وظائف مرجوعه را انجام دهند در صورتیکه

در انجام آن کوتاهی نمایند و از اینجهت خسارتی بشركت وارد شود مجمع عمومی شركت حق تقاضای جبران خسارت را خواهد داشت .

بعلاوه اگر مقررین شركت در نتیجه قصوری كه در انجام وظیفه كرده باشند باشخص شركاء ضرر وارد كرده باشند آنها نیز حق تقاضای جبران خسارت را خواهند داشت. دعوی جبران خسارت وارده بشركت را در صورتیکه مجمع عمومی طرح نماید هر يك از شركاء بههم خود میتوانند آن دعوی را بمحكمة ببرند و همچنین عدّه از شركاء بنسبت سهمی كه دارند میتوانند جمعاً این دعوی را بزنایند.

مسئولیت مقررین شركت هم مانند مسئولیت مدیران شركت ممكن است فردی باشد یا جمعی و تضامنی - در صورتیکه برای تقصیر جمعی آنها دعوی بر علیه یکی از آنها مطرح شود و محكوم گردد حق دارد بسایر مقررین برای سهم آنها مراجعه کنند .

### بطلان شركت

اصولاً شركتی كه مطابق مقررات قانونی تشکیل نشده باشد نباید قابل دوام باشد و اینجهت مقررات كه اگر شركتی رعایت مقررات قانونی را نكرده باشد باطل است

موارد بطلان شركت سهامی از قرار ذیل است :

۱ - در صورتیکه مقررات را چه بمیزان قیمت سهام رعایت نشده باشد (۲۸)

۲ - اگر قبل از تشکیل قانونی شركت بهدور سهام اقدام شود و یا قبل از اینکه با ۵۰ ارزش اسمی سهام بی اسم پرداخته شده باشد آنها را منتشر نمایند (۲۹)

۳ - وقتیکه اساسنامه و شركتنامه و اظهارنامه مصوب مجمع عمومی را بداره ثبت اسناد نداده باشند (۳۴)

۴ - وقتیکه مطالب لازمه را كه بر طبق ماده ۳۷ مقررات در اساسنامه قید نكرده باشند

۵ - هرگاه تادیه تمام سرمایه و پرداخت ناآن محقق نگردیده باشد (۳۸)

۶ - اگر چیزیکه در ازا سهام غیر نقدی تعهد شده است تسلیم نشده باشد (۳۹)

۷ - اگر سهام غیر نقدی و مزایا بر طبق قانون به تصویب مجمع عمومی موسس نرسیده باشد (۴۱)

۸ - هرگاه اظهارنامه كه بداره ثبت اسناد داده میشود بتصویب مجمع عمومی نرسیده باشد (۴۴)

۹ - اگر انتخاب هیئت مدیره و مقررین بر طبق مقررات مخصوص ماده ۴۵ برای تشکیل مجمع عمومی واكثريت لازم بعمل نیامده باشد.

۱۰ - هرگاه مدت مدیریت مدیران در اساسنامه بیش از ۴ سال و اگر مدیران در اساسنامه تعیین شده باشند بیش از دو سال سرگار باشند

۱۱ - در صورتیکه قبولی مدیران شركت و مقررین كه انتخاب میشوند در صورت مجلس قید نگردد (۴۷)

۱۲ - در صورتیکه اسناد لازمه برای ثبوت اینکه تعهد سرمایه و تادیه نك آن ثابت شود مدیران سندی تهیه و تسلیم اداره ثبت نكرده باشند (۵۰)

نتیجه بطلان شركت این خواهد بود كه عملیاتی كه بعنوان شركت شده است بآن عنوان از درجه اعتبار ساقط و بلا اثر خواهد بود؛ اشخاصی كه بشركت قراردادی نموده اند و بعد معلوم شود كه شركت باطل بوده است ملزم بآن قرار داد نخواهند بود منتها این است كه اگر وجهی گرفته باشند بر طبق اصول کلی كه هیچكس نمیتواند چیز را كه بدون استحقاق بدست آورده است مالك شود باید مسترد بدارد

ظاهر این بود كه هر قراردادی با شركت باطل باشد ولی قانون نخواستسته است كه اشخاص نك كه ملزم بر رعایت مقررات قانونی برای صحت شركت نبوده و شاید هیچ اطلاعی بر این كه شركت باطل است ندارند متضرر شوند و باین جهت مقرر داشته است كه شركاء نمیتوانند در مقابل اشخاص خارج باین بطلان استناد نمایند

بعلاوه قانون برای دعوی جبران خسارتی که از امر موجب بطلان حادث میشود نیز مرور زمانی قائل شده است و مقرر داشته که «اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یکسال منقضی شده اشخاص خرج از جهت معامله اینکه بایشان شده است باستناد امری که موجب بطلان بوده دعوی خسارت نکرده باشند دیگر دعوی مزبور از آن ها پذیرفته نمی شود.» ۸۵

### مسئولین بطلان شرکت

در نتیجه بطلان شرکت یا اتمال و تصمیمات آن عده اشخاص متضرر میشوند - صاحبان سهام که سرمایه داده اند و لاقفل برای مدتی آن سرمایه بیقائده شده است و همچنین اشخاصی که با شرکت قراردادهائی نموده اند و باطل گردیده و غیره این اشخاص هیچ تقصیری ممکن است نداشته باشند و قانوناً موظف بانجام کارهائی که جاوگیری از ایشان آمد بطلان میکرد نبوده اند و باینجهت نبایستی ضرر کنند - قانون مسئول این ضررها را سه دسته اشخاص دانسته است.

۱ - مؤسسين - مؤسسين میبایستی در بدر تاسیس دقت کامل بنمایند که شرکت مطابق قانون تشکیل شود اگر نقصی در اساسنامه باشد و یا موجبات بطلان از همان زمان تاسیس وجود داشته است مؤسسين مسئول خواهند بود.

۲ - مدیران و مفتشینی که در حین حدوث سبب بطلان سرکار بوده اند و همچنین مدیران و مفتشینی که بلافاصله بعد از آن سرکار آمده اند - مدیران و مفتشین موظفند که نگذارند موجب بطلان پیدا شود و اگر مطلع شدند که بموجب بطلان وجود دارد بایستی فوری درصدد رفع آن بر آیند - اگر بوظیفه خود عمل ننمایند مسئول می باشند.

۳ - صاحبان سهام غیر نقدی که سهام آنها تقویم و تصویب نشده است - این اشخاص در اداره شرکت دخیل نیستند ولی از آنجا که عدم تقویم و یا تصویب تقویم سهام آنها ایجاد تردیدی مینماید و آنها را در مظان تهمت قرار میدهد که خواسته اند باهمدستی مدیران و مفتشین یا

اشخاصی که حق تقاضای ابطال شرکت و یا ابطال عملیات و قرار دادهای شرکت را دارند عبارتند از کلیه اشخاص ذینفع یعنی شرکا و اشخاصی که با شرکت معامله کرده اند و مدعی الموم - ابطال شرکت بحکم محکمه صورت میگیرد زیرا باید دعوی وجود موجبات ابطال مورد رسیدگی واقع شده و محقق گردد و نیز ثابت شود که هنوز علل بطلان باقی است زیرا قانون تجارت اگر چه جزای عدم رعایت مقررات را از طرف شرکت ابطال آن قرار داده است ولی برای اینکه دعوی بطلان دائماً باقی نماند و بدست اشخاص وسیله تهدید شرکت و استفاده نامشروع نگردد و نیز برای آنکه حتی الامکان از بطلان شرکت بوسیله جبران نواقص آن جلوگیری شده و سبب متضرر شدن اشخاص نگردد قانون مواردی را معین نموده است که باندفع موجبات بطلان میتوان از ابطال آن جاوگیری کرد:

۱ - «هرگاه قبل از اقامه دعوی برای ابطال شرکت یا برای ابطال عملیات و قرار دادهای شرکت موجبات بطلان مرتفع شود دعوی ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد.»

۲ - «هرگاه مقرر شده باشد که مجمع عمومی مخصوصی برای رفع موجبات بطلان منعقد شود (یعنی در صورتیکه در اساسنامه این معنی پیش بینی شده باشد) و دعوت اعضاء نیز برای انعقاد مجمع موافق اساسنامه بعمل آمده باشد دعوی بطلان از تاریخ دعوت مجمع در محکمه پذیرفته نخواهد شد مگر اینکه مجمع مزبور موجبات بطلان را رفع ننماید.» ۸۶

پس دعوت مجمع عمومی را متوقف میسازد و اسقاط آن موکول باین است که مجمع اقدام مؤثر در رفع موجبات بطلان بنماید و چون این کار را کرد دعوی بکلی ساقط می شود.

۳ - «هرگاه از تاریخ حدوث سبب بطلان شرکت ده سال گذشته و اقامه دعوی بطلان و خسارت نشده باشد دیگر دعوی مذکور پذیرفته نخواهد شد.» ۸۷

قانون مرور زمانی قائل شده و باوجود موجبات بطلان مقرر داشته است که اگر در ظرف ده سال دعوی بعمل نیامده باشد و در شرکت پس از آن موجب جدیدی برای بطلان حادث نشده است گذشته را صرف نظر کرده است.

است و مع هذا تقسیم منافع مینمایند. طلع نمیتوان فرض کرد و استرداد منافی که آنها گرفته اند مورد نخواهد داشت.

نظارت صاحبان سهام - چنانکه اشاره شد نظارت شخصی صاحبان سهام در امور اداری شرکت بسیار محدود است - هیچ شریکی حق مداخله در کارهای اداری و حق دیدن دفاتر شرکت و تفتیش در آنها را ندارد فقط « از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهم میتواند در مرکز شرکت بصورت حساب و صورت اسامی صاحبان سهام مراجعه کرده و از بیلان که متضمن خلاصه صورت حساب شرکت است و از رایورت مقتضین صورت بگیرد » ۵۶

### انحلال شرکت سهامی

بر طبق ماده ۹۳ قانون تجارت « شرکت سهامی در موارد ذیل منحل میشود

- ۱ - وقتیکه شرکت مقصود بر آن برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.
- ۲ - وقتیکه شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.
- ۳ - در صورتیکه شرکت ورشکست شده باشد.
- ۴ - در صورت تصمیم مجمع عمومی «

چنانکه ملاحظه میشود موارد انحلال شرکت سهامی کمتر از مواردی است که يك شرکت تضامنی ممکن است منحل شود باین معنی که تمام جهات انحلال که مربوط بشخصیت شرکاء است در اینجا موضوع ندارد زیرا شرکت سهامی بیشتر شرکت سرمایه ایست و شخصیت شرکاء دخالت زیاد در کار شرکت ندارد.

یا موسسین سهام خود را بیش از آنچه واقعاً قیمت دارد تقویم نمایند قانون گفته است که (ممکن است) آنها هم مسئول شناخته شوند البته تعیین اینکه با وجود عدم تقویم یساعده تصویب سهام آنها مسئول هستند یا محکمه خواهد بود زیرا ممکن است واقعاً آنها هیچ تقصیری نداشته و هیچگونه قصد نداشته باشند قانون فرض تقصیر برای آنها کرده است ولی فرضی است که ممکن است مرتفع گردد.

اشخاص فوق را قانون تجارت نه تنها برای تقصیری که هر کدام مرتکب شده اند مسئول میداند بلکه تمام آنها را در مقابل اشخاص ثالث که با شرکت معامله کرده و صاحبان سهام برای ضروری که بآنها رسیده است متضامناً مسئول میداند یعنی هر شخص متضرر میتواند بهر يك از آنها برای وصول خسارت وارده بخود مراجعه کند منتها اگر آنها بین خود کسی را مسئول مستقیم میدانند باو مراجعه کنند و یا اگر تصمیم جمعی آنها بوده بین خود تقسیم مسئولیت خواهند کرد. وقتی که بطلان شرکت اعلام میگردد اصولاً باید تمام عملیات آن از بین برود و از جمله ممکن بود که استرداد منافی که بین شرکاء تقسیم شده است مطالبه گردد ولی چنانکه در باب تقسیم منافع موهوم گفته شد

« استرداد منافع که بین شرکاء تقسیم شده ممکن نیست مگر اینکه تقسیم بدون ترتیب صورت دارائی با مخالف نتیجه حاصله در صورت مزبور بعمل آمده باشد در این صورت نیز فقط تا ۵ سال اقامه دعوی استرداد میتواند نمود - مبدء مرور زمان روز تقسیم است »

فقط در این دو مورد میتوان فرض سوء نیت برای شرکاء نمود و از آنها از تقسیم منافع موهوم و اینکه شرکاء باطل